



# نقد پدیده عوام گرایی کیفری با تاکید بر رویکرد نظام عدالت کیفری ایران

حمید قربان پور<sup>۱</sup>

سید محمد مهدی ساداتی<sup>۲</sup>

علی جمادی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

## چکیده

در اندیشه عوام گرا، تاکید بر افکار آحاد جامعه به عنوان مبنای سیاستگذاری‌های عمومی، اهمیت دوچندان دارد. محوریت افکار عمومی و مداخله سیاسی در سیاستگذاری کیفری، رویکرد عوام گرایی را موجب شده است. به بیان دیگر، سیاست کیفری عوام گرایانه مترصد آن است تا با جلب افکار عمومی به مبارزه با بزه پردازد. در نظام کیفری ایران نیز در سالهای اخیر به تاثیر از فضای حاکم بر جامعه، سیاستهای توده گرایی پا به عرصه وجود نهاده است. در واقع، اندیشه عوام گرایی کیفری، بر مدل کنترل جرم از طریق دشمن مداری با مجرم تاکید دارد. این نوع سیاست کیفری از فرایند اصولی و علمی آموزه‌های جرم شناسانه منحرف و آن را تابع ملاحظات سیاسی می‌نماید، به گونه ای که با آسیب رسانی به استلزامات ساختاری حقوق کیفری و حق‌های اخلاقی تابعین حقوق کیفری، همراه است. در این نوشتار، به شیوه توصیفی-تحلیلی موضوع را بررسی و به سؤال پاسخ خواهیم داد که: چه عواملی موجب پیدایش عوام گرایی می‌شود و این پدیده چه ویژگی‌هایی دارد؟ در ادامه نیز بازتاب قوانین عوام گرایانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد و پیشنهاداتی در این راستا ارائه خواهیم داد.

**واژگان کلیدی:** عوام گرایی، کیفر، جامعه، عدالت کیفری، افکار عمومی

## مقدمه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. hamidlaw1@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار بخش حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسول): mahdi.sadati@shirazu.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. jamadiali@gmail.com

در زندگی انسان مدرن معمای کیفی به دغدغه‌ای فراگیر برای اندیشمندان مبدل شده است. هم‌اکنون، کمتر مفهومی در میان واقعیت‌های موجود در زندگی انسان یافت می‌شود که به هنگام منازعه درباره‌ی چیستی و چرایی آن، تا بدین‌اندازه ابهام‌آفرین باشد. درست در آن زمان که احساس می‌کنیم به درکی قابل اعتماد از ماهیت مجازات دست یافته‌ایم، در حقیقت ابهامی دیگر آفریده‌ایم. نظریه‌پردازی‌های بسیار در خصوص ماهیت و کارکرد مجازات اگرچه بخشی از واقعیت‌های این پدیده اجتماعی را آشکار کرده، لیکن، خود پرسش‌ها و ابهام‌های جدیدی را در قلمروی توجیه مجازات به وجود آورده‌اند. از آن گذشته، چنین به نظر می‌آید که واکنش‌های کیفی در تحقق اهداف بلندپروازانه‌ی خود با شکست‌هایی پی در پی مواجه شده‌اند. این شکست‌های مکرر، سلسله‌ای از ناامیدی‌ها و سردرگمی‌ها را نسبت به کارآیی واکنش‌های کیفی پدید آورده است (ساداتی، ۱۳۹۸، ۹).

بر هیمن مینا، سیاستگذاران دستگاه کیفی برای پیش‌بینی یک نظریه‌هنجاری درباره مجازات، ناگزیرند ملاحظات متعدد جاموی و فلسفی را ملاحظه نمایند. البته، نظریه‌های فلسفی ناظر به کیفی‌ها، به همان شکل اولیه و خامی که در ذهن فیلسوفان تولید شده‌اند به اجرا گذارده نمی‌شوند. (جوان‌جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴، ۱۱). به عبارت دیگر این مفاهیم به نوعی با امتزاج با نگاه جامعه‌شناسی در نظریه‌های مجازات بازتولید میشوند. بنابراین، صرف آشنایی با علم کیفی‌شناسی کافی نبوده و باید در کنار دیگر علوم جنایی به ویژه جامعه‌شناسی کیفی به این امر موضوع پرداخت. تحلیل‌های مفهومی مرتبط با ماهیت جامعه‌شناسی کیفی همگی بر این امر تأکید دارند که تحلیل قانون از زمان حیات تا مرگ آن باید در چارچوب جامعه‌مورد بررسی قرار گیرد. (استالانز و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۴)

در واقع، جامعه‌شناسی کیفی در پی آن است که از آغاز فرایند هنجارگذاری کیفی تا مقبولیت قوانین را با نگاه انتقادی بررسی نماید. نتیجه تحلیل جامعه‌شناختی بر کیفی این است که قانونی مرده یا در عمل می‌میرد و یا اینکه به قانونی متروک مبدل می‌گردد که پس از فرایند تصویب؛ مقبول واقع نشود. به دیگر سخن، آن قانونی پویا و زنده است که مقبول جامعه واقع شود. بنابراین زنده ماندن یک قانون به میزان مقبولیت عام و خاص (از سوی کنشگران قضایی) آن بستگی دارد. البته گاهی می‌توان در حقوق کیفی ایران مصادیقی را مشاهده کرد که یک قانون به دلیل عدم مقبولیت از سوی مردم یا کنشگران قضایی، مُرده متولد می‌شود. این قانون مرده حاکی از آن است که قانونگذار بسترهای لازم برای اجرای آن را مورد پیش‌بینی قرار نداده است. در این صورت می‌توان گفت صرف این وضع، شاید در نتیجه عواملی مانند فشارها یا

فرصت‌های بین‌المللی، رقم خورده و در مقام عمل اراده‌ای برای تحقق آن مقررات وجود نداشته است. از دیگر سو، اگرچه برداشت نادرست از مقررات کیفری به جهت کلیت قانون، آن را تعطیل نمی‌کند؛ اما به دلیل اجرای ناتمام مقررات، از نیل به اهداف باز می‌ماند. این امر با مقبولیت ناقص قوانین همراه خواهد بود.<sup>۱</sup> البته، مقبولیت عام قوانین می‌تواند خطر عوام‌گرایی را در پی داشته باشد که در این مقاله اختصاصاً کیفر را بررسی خواهیم کرد.

توضیح آنکه، عوام‌گرایی کیفری رویکردی است که بر اساس آن سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به منظور جلب افکار عموم، بدون توجه به یافته‌های علمی سیاست‌های کیفری نمایشی و عامه پسند را تدوین و اجرا می‌کنند. حق آزادی از حقوق انکارناپذیر و مورد قبول تمامی جامعه بشری است، از آنجایی که کیفر، گستره حق آزادی انسان‌ها را محدود می‌سازد، در صورتی مورد قبول جامعه قرار می‌گیرد که در پاسخ به افکار عمومی برای دستیابی به منافع بزرگتر و یا تأمین حق آزادی همگان توجیه مناسبی ارائه کرده و اقتناع افکار جامعه را تأمین نماید. (بی‌دره، ۱۳۹۵، ۲۷) مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری، سیاست‌گذاری از رهگذر حرکت‌های توده‌گرا و در فضای احساسی، توجیه سیاست‌های غیر علمی با استناد به خواست و مطالبه عمومی و انتساب ناکامی در کنترل بزه به دشمنان فرضی است. شاخص‌ترین پیامدهای عوام‌گرایی کیفری، تورم قوانین کیفری، تحدید موازین دادرسی عادلانه، افزایش جمعیت کیفری و هزینه‌های نظام عدالت کیفری است. (نوبهار و عرفانی‌فر، ۱۳۹۶، ۲۱۶).

بدین ترتیب در مقاله حاضر چالش‌ها و پیامدهای مربوط به عوام‌گرایی را در سطح کیفررسانی مورد ملاحظه قرار خواهیم داد و دقیقاً بدین سؤال پاسخ خواهیم داد که عوام‌گرایی کیفری چگونه ایجاد می‌شود و چه تاثیری بر نظام عدالت کیفری ایران دارد؟

## ۱. چیستی عوام‌گرایی کیفری

عوام‌گرایی مفهومس است سیال که در علوم مختلف بکارگرفته می‌شود. در ادبیات علوم سیاسی

<sup>۱</sup> برای نمونه، بیان کلی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیرامون گستره و مصادیق حدود الهی به صورت: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» سبب می‌شود بسیاری از حدود الهی غیر مندرج در متن قانون، با استدلال بر موهن بودن اجرای آن برای اسلام معطل بماند. با توجه به اینکه از جمله اهداف غایی یک قانون، مقبولیت دستاوردهای آن می‌باشد؛ یکی از رسالت‌های قوانین کیفری تعیین کیفرهای مورد پذیرش از طرف جامعه است.

به مفهوم جریان‌ی سیاسی است که در آن، باورها و اعتقادات مردم در تدوین تصمیم‌های سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. در دهه‌های اخیر و با توسعه عوام‌گرایی، شاهد نفوذ عوام‌گرایی به حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و همچنین کیفری هستیم. امروزه عوام‌گرایی علاوه بر حوزه‌های سیاست و حقوق بر عرصه‌های اقتصادی، فرهنگ نیز تأثیر گذاشته است (مقدسی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

اما، جرم‌شناسان در بیست سال اخیر عوام‌گرایی را در حوزه حقوق کیفری بازتولید نموده‌اند. آنها، تحت تأثیر ویژگی‌ها و خصوصیات عوام‌گرایی سیاسی، برای نوع خاصی از سیاست‌گذاری کیفری عوام‌گرایی را بکاربردند (سلحشور، ۱۳۹۴، ص ۲۸). در واقع، عوام‌گرایی کیفری، مترصد آن است تا از طریق نظام عدالت کیفری به نگرانی‌های آحاد جامعه در مورد بعضی از جرائم خاص پاسخ گو باشد. در این راستا، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی - که مورد تأیید خبرگان است - به راه‌حل‌های آنی توجه می‌شود. روشهایی که از نظر علم کیفر شناسی توجیه منطقی ندارند و صرفاً برای آرام کردن جو امنیتی جامعه است.

چنین رویکردی موجب می‌شود تا کارآمدی سیاست‌های کیفری نادیده گرفته شود و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری، به جای یک واکنش منطقی در مواجهه با پدیده مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی، به سهل‌انگاری در مبارزه با بزه مقصر شناخته نشوند (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲). ظهور عوام‌گرایی کیفری، بازتاب تغییر در الگوهای قدرت کیفری معاصر است (هژبرالساداتی، ۱۳۸۹). از همین رو، جوامع مختلف با فرهنگ‌های مختلف، در رویارویی با عوام‌گرایی یکسان عمل نمی‌کنند.

از دیدگاه عوام‌گرایی کیفری، قوه مقننه در سیاست‌گذاری، سبب می‌شود دیدگاه‌های مردم در قانونگذاری ملاحظه نشود. در واقع، از دیدگاه مدافعان عوام‌گرایی کیفری، نمایندگان مجلس، سیاست‌هایی را تصویب کنند که با مقبولیت عموم جامعه سازگاری ندارد. این رویکرد، بر این پیش فرض استوار است که مردم باورهای هماهنگ و یکسانی در زمینه‌ی شیوه‌ی کنترل جرم و بی‌نظمی دارند (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲ : ۱۳۹). در واقع، قضاوت‌ها عموم آدمیان در یک جامعه نقش با اهمیتی در تشکیل بنیان‌های یک سیاست کیفری را دارد.

تأثر زیاد از حال و هوای سیاست زده حاکم بر اجتماع و به بیان بهتر سیاسی شدن حقوق کیفری، یکی از ویژگی‌های سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری است. اگر در گذشته، جرم‌شناسان و محققان دیگر علوم، نقش فراوانی در تدوین سیاست‌های کیفری برعهده داشتند، اما تحت تأثیر عوام‌گرایی کیفری، این نقش به نحو بسیار زیادی کاهش یافته است. علاوه بر این،

نظریه پردازان عوام گرا، عموماً به فاکتور تودهٔ عموم توجه کرده و معیارهای دیگر را نادیده می‌انگارند. موجه نمودن سیاست‌های کیفری به عنوان خواسته و مطالبات عمومی با کمک تبلیغات رسانه‌ها، راهکار مناسبی برای مشروعیت بخشی به برنامه‌های کیفری غیرمعمول است. در حالیکه، خواسته عموم مردم فقط یک روی سکه است و پالایش آن توسط متخصصان روی دیگر.

علاقه مندان به سیاست‌های عوام گرایی غالباً، با شعار حمایت از بزه دیدگان برنامه‌های خود را پیش می‌برند. تاکید بر آسیب‌های بزه‌دیدگان، انجام سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه را از سوی عموم با تحریک احساسات آنان، آسان‌تر می‌کند. امری که به جداکردن و فاصله انداختن بین مجرم و غیرمجرم کمک می‌کند و مجرم را دشمن و ناخودی می‌پندارد.

طرفداران عوام‌گرایی کیفری می‌کوشند تا از طریق طرح ریزی دشمنان مداری، به مردم القا کنند که گروه‌ها و اشخاصی که منافع خود را در خطر دیده‌اند، کمر همت بسته‌اند تا با هدف سیاستمداران برای برقراری امنیت مقابله کنند. از دیدگاه عوام گرایی کیفری این دشمنان، دو دسته هستند:

دسته اول: کسانی که از جنس اکثریت شهروندان مطیع قانون نیستند و با اقدامات خود نظم اجتماع را بر هم می‌زنند.

دسته دوم: نخبگان و کارشناسانی که طرفدار حقوق اقلیت ناقض قانون هستند و تلاش می‌کنند از طریق مقابله با سیاست‌های مقبول مردم، جایگاه متزلزل خود در نظام عدالت کیفری حفظ یا بازپس گیرند (مقدسی، ۱۳۹۰: ۸۱).

در واقع، نظریه عوام گرایی کیفری با ارائه تصویری خطرناک از بزهکاران و نشر اخبار و تبلیغ گسترده، مقابله کیفری با آنها را توجیه می‌کند و از این طریق، بکارگیری هر وسیله ای در سیاست کیفری را مباح می‌کند (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰-۱۹)؛ در چنین شرایطی، تابعین حقوق کیفری نه به عنوان یک هدف بلکه به مثابه یک ابزاری در دست سیاستگذاران کیفری قرار خواهند گرفت. در این راستا، ضمانت اجرای تعیین شده دارای تناسب با ماهیت جرائم نبوده و ساز و کارهای سختگیرانه از مهمترین تدابیر در مقابله با بزه خواهد بود. طبیعی است که دشمن پنداشتن مجرمین به صرف ارتکاب بزه و تجویز ساز و کارهای سختگیرانه در مورد آنها، ویژگی‌ای منفی در فرآیند اصلاح مجرمین تلقی خواهد شد.

## ۲. جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران

یکی از جلوه‌های این سیاست قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی است. این قانون در اوضاع نابسامان کشور پس از جنگ و شرایط سخت معیشتی مردم تصویب شد. به همین دلیل، سبب شد که قانونگذار در پاسخ به موج معضلات اقتصادی ایجاد شده، پیش‌بینی نماید که چنانچه هریک از اعمال مذکور در ماده ۱ قانون، در صورت وجود «قصد ضربه زدن به نظام، قصد مقابله با آن و یا حتی علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام» چنانچه در حد افساد فی الأرض باشد، مجازات اعدام در انتظار فرد مجرم خواهد بود.

علی‌رغم پایان دوران بازسازی پس از جنگ، این رویکرد در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز همچنان به رسمیت شناخته شده است. به موجب بخشی از این ماده، اخلال در نظام اقتصادی چنانچه «به طور گسترده ارتکاب یافته و موجب اخلال عمده در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع» گردد، افساد فی‌الأرض محسوب و مرتکب به اعدام محکوم می‌شود (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۴ : ۲۱۴-۲۱۵). این امر، حکایت از تأثیرپذیری قانونگذار ایران از دیدگاه‌های دشمن مدارانه عوام‌گرا در حوزه جرایم مرتبط با مجرمین اقتصادی دارد (الهی منش و تقی زاده، ۱۳۹۷ : ۱۲۵) که متضمن رویکرد حداکثری در اتخاذ پاسخ‌های کیفری و نادیده‌نگاشتن راهبردهای اصلاحی و پیشگیرانه است.

عوام‌گرایی تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز تبلور یافته است. انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم خاص<sup>۱</sup> که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود. این دیدگاه قانونگذار، از مبنای معقول پیروی نمی‌کند و غلبه عوام‌گرایی، از جمله دلایل تصویب آن بوده است. زیرا، از جمله اصول حقوق کیفری کسب و کار و سرمایه‌گذاری، این است که انتشار حکم محکومیت، نوعی خدشه به اصل اعتماد و روابط مشتریان با شرکت خاطی قلمداد می‌شود (جعفری، ۱۳۹۳ : ۱۲۳)؛ بنابراین، محکوم علیه در اینگونه جرائم، ضمن عدم تحمل برچسب زنی

<sup>۱</sup> این جرائم عبارتند از: رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

کیفری، هیچ‌گاه حاضر به پذیرفتن رأی صادره نبوده و لذا با توسل به راه‌هایی مثل اعاده‌ی دادرسی سعی می‌کند تا از زیر بار مسئولیت کیفری، شانه خالی کند و چنانچه هیچ‌کدام از این راه‌ها مؤثر نباشد، در نهایت با به دنبال آن است که خود را مشمول عفو خصوصی گرداند.

### ۳. ویژگی‌های عوام‌گرایی کیفری

سؤال‌ی که در عرصه عمل و نظر باید به آن توجه نمود این است که بر اساس چه مولفه‌هایی می‌توان گفت در مجموع یک سیاست کیفری عوام‌گرایانه است؟ پاسخ به این پرسش در گرو بررسی ویژگی‌ها یا مولفه‌های عوام‌گرایی کیفری است. نگارندگان در اینجا پنج ویژگی از عوام‌گرایی کیفری را بر شمرده‌اند تا بوسیله آنها بتوانم تشخیص دهیم چه سیاستی در عرصه حقوق کیفری عوام‌گرایانه است.

#### ۱-۳ دوری از خبره‌گرایی

نظریه پردازان عوام‌گرایی کیفری مانند عوام‌گرایی سیاسی، نسبت به اصول دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، بدبین هستند. آنها بر این بارو هستند که مداخله‌ی مجلس قانونگذاری در سیاستگذاری، سبب می‌شود دیدگاه‌های عامه در سیاست‌ها گنجانده نشود.

این دیدگاه به خوبی در بیانات نخست وزیر وقت دانمارک مشاهده می‌شود: «ما به متخصصان نیاز نداریم. مردم دانمارک نباید آنچه را که متخصصان به عنوان بهترین راه حل بیان می‌کنند بپذیرند. در حال حاضر همه ما متخصص و کارشناس هستیم» (مقدسی، ۱۳۹۰: ۴۶). سیاستگذار کیفری ایران نیز در مواردی که تحت تأثیر عوام‌گرایی کیفری به قانونگذاری اقدام کرده، تلاش نموده از طریق استناد به خواست عمومی مردم به راهکار اتخاذی خود مشروعیت داده و از این طریق، ضعف عدم تطابق برنامه‌ها با یافته‌های علمی را جبران کنند. بنابراین عباراتی مانند «حل مشکلات مردم»، «تأمین امنیت مردم»، «رفع دلواپسی مردم»، «مطالبات عمومی»، «انتظار عمومی» و «منافع عمومی»، «انتظارات مهم مردم» و «توقعات جامعه» همگی بهانه‌ای است که در راستای مشروعیت بخشی به این سیاستها دیده می‌شود. سیاستهای کیفری که هیچ‌گونه پشتوانه کارشناسانه نداشته و صرفاً در مبنای مصلحت موقتی و در راستای آرام نگاهداشتن جو امنیتی جامعه انجام می‌گیرند. نتیجه این سیاست در دراز مدت چیزی جز ناکارآمدی نخواهد بود.

## ۲-۳ سیاست زدگی

در سپهر عدالت کیفری، بحث تعامل بین «حقوق» و «سیاست» اجتناب‌ناپذیر است. در واقع یکی از شیوه‌های اعمال قدرت در جامعه حقوق کیفری است. در این راستا، قانونگذاران، غالباً با جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای رفتارهای ناپه‌نچار، چارچوب پاسخ‌های جامعه را مشخص می‌کنند (مه‌دوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲-۱۷۳). اکنون، اگر سیاست در چهارچوب حقوق تبیین شود، آنگاه حق‌های اخلاقی و آزادی‌شهروندان از گزند برنده دولت در امان خواهد بود. اما، هنگامیکه که حقوق کیفری به ابزاری در دست سیاستمداران، برای پیشبرد منافع جناحی خود، تبدیل شود آنگاه حقوق و آزادی‌های اساسی، معنای واقعی خود را از دست می‌دهند و تنها به واژگانی کمرنگ و فاقد اعتبار تبدیل خواهند شد (کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷-۲۶۸). از همین‌رو، سیاسی شدن حقوق کیفری، یکی از ویژگی‌های سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری است. در یک حقوق کیفری سیاست زده، جرم‌شناسان و متخصصان علوم، نقشی در تدوین سیاست‌های کیفری برعهده ندارند. بنابراین، در سیاست‌های کیفری عوام‌گرایانه، گروه‌های کارشناسی که پیش از این سیاستگذاری کیفری را برعهده داشتند، کنار نهاده شده‌اند. مباحث اولیه مربوط به سیاست‌های کیفری، در جلسه‌های سیاسی مطرح می‌شوند و این جلسه‌ها می‌توانند گردهمایی‌های احزاب و یا مناظره‌های تلویزیونی باشند.

## ۳-۳ تأیید افکار عمومی

اگر بزه، به موضوعی سیاسی مبدل شود، آنگاه کارگزاران سیاسی برای تأمین نیازهای جناحی و انتخاباتی خود می‌کوشند تا بزهکاری، احساس ناامنی ناشی از آن و ارائه‌ی راهکار برای مقابله با ناامنی را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهند. آنان از طریق وعده‌های انتخاباتی در مقابله با بزهکاری و ناامنی، درصد کسب آرا و مقبولیت عمومی هستند (مقدسی و فرجی‌ها، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹-۱۴۰). در این راستا، سیاستمداران برای پیشبرد اهداف انتخاباتی خود، احساسات مردم را تحریک کرده و، با طرح وعده‌های غیرواقع‌بینانه ولی بر اساس نیازهای مردم، آن‌ها را با خود همسو می‌کنند (شیدائیان و رجبی سلمان، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷). به همین دلیل، عوام‌گرایی کیفری به مقبولیت عمومی توجه بسیار می‌کند، تا حدی که نظریات متخصصان را نادیده می‌گیرد.

## ۴-۳ نگاه ابزاری به بزه‌دیده

اگر بزه دیده به عنوان وسیله یا ابزار باشد، آنگاه تأثیر وی در ارتکاب بزهکاری کمرنگ می‌شود. این نوع جهت‌گیری در بزه دیده شناسی، می‌تواند سیاست کیفری را از بُعد علمی آن جدا



کند و موجب شکل‌گیری سیاست کیفری عوام‌گرا شود. در واقع، سیاست‌گذاران برای کسب منافع سیاسی و پیروزی در رقابت‌های انتخاباتی، با تأکید بر حقوق بزه‌دیدگان و شهروندان غیر بزه‌کار، سعی در جلب آرای عمومی دارند. در این شرایط، اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان، بدون آن‌که موجب حمایت واقعی از آن‌ها شود، به بهانه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان، اغلب موجب سخت‌گیری کیفری حداکثری بر بزه‌کاران می‌شود (شیدائیان و رجبی سلمان، منبع پیشین، ص ۲۷۱). این سیاست ناشی از این است که بزه دیده، نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان یک وسیله در جهت پیشبرد منافع جناحی تلقی می‌شود. در این راستا، بزه دیده شناسان حمایت گر، اغلب محیط‌های غیرعلمی را مکان مناسبی برای بیان نیازهای بزه دیدگان می‌یابند و فرصت مباحث کارشناسانه برای حمایت از بزه دیدگان را از دست می‌دهند.

در جرائم اقتصادی به‌طور عام و جرائم اقتصادی موضوع افساد فی الارض به‌طور خاص، از آنجا که حاکمیت و منافع آن (مقولات امنیت اقتصادی و امنیت ملی) بزه دیده مستقیم است، طبیعی است که با نگاه ابزاری به بزه دیده، رویکرد دشمن‌مدار تقویت گردد.

### ۳-۵ غلبه احساس بر عقل

تنها یکی از ویژگی‌های مجازات معقول، مقبولیت عمومی است. اما این مقبولیت نباید بر جنبه‌های غیرعقلانی چیره شود. بدیهی است که آنچه که از احساسات مردم برمی‌آید همیشه صحیح نیست و باید به نوعی پایش شود. از همین‌رو، علوم کیفر شناسی با استفاده از ابزارهای تجربی و غیرتجربی درصدد هستند تا از وضع مجازات ناکارآمد و عوام‌گرا جلوگیری نمایند. زیرا، تبعات منفی دخالت مستقیم مردم در جریان سیاست‌گذاری جنایی، عدم اطلاعات کافی و عدم بهره‌ی ایشان از دانش و تخصص مربوطه است.

نکته‌ی مهم آن است که مردم عادی دست کم در واکنش‌های اولیه نسبت به وقایع جنایی، عموماً دیدگاه‌های اخلاق‌گرایانه دارند. در واقع، عموم آدمیان معتقد هستند که سزادهی و ارباب بهترین پاسخ به بزه، است و هرچه شدت مجازات‌ها بیشتر باشد، بازدارندگی آن هم بیشتر خواهد. اما، عامه‌ی مردم معمولاً تصور درست و روشنی نسبت به بازدارندگی مجازات‌های شدید ندارند (قره‌گوزلو، ۱۳۹۸، ۲۳۵).

پژوهش‌های بسیارحاکمی از این است که رویکردهای سزاگرایانه تضمینی برای کاهش بزه‌ها نیستند. بنابراین درچنین شرایطی می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های مهم عوام‌گرایی کیفری،

غلبه‌ی جنبه‌های حسی - هیجانی بر جنبه‌های عقلانی است. چنین رفتاری به رفتار توده‌گرا موسوم است.

این الگوی رفتاری بر افرادی اطلاق می‌شود که بدون فکر و اندیشه و برنامه‌ریزی از تصمیم جمعی تبعیت می‌کنند. این رفتار تحت تأثیر برخی فشارها یا انگیزه‌ها شکل می‌گیرد. چنین رفتاری از خطاهای مغزی به شمار می‌رود. دلیل اصلی تقلید مردم از رفتارهای دیگران، نداشتن اطلاعات کافی در مورد یک موضوع است. هیچ انسانی، از کارشناس و بازیگر و اقتصاددان و سیاست‌گذارهای اصلی، از خطاهای مغزی در امان نیستند. به همین دلیل بسیاری از افراد مشهور از ترس این که مردمی به نظر نرسند، برای هر مساله‌ای اظهار نظر می‌کنند و به این رفتارهای توده‌وار دامن می‌زنند. اما عامل مهم دیگر دامن‌زننده به این موضع، تکرار است. تکرار منجر به معقول به نظر رسیدن رفتارهای غیر منطقی می‌گردد. و این تکرار در شرایطی که اطلاعات کم است و ناآگاهی از این که چه باید کرد، مردم را به تقلید از رفتار دیگری وا می‌دارد. نمونه‌ای این رفتارهای توده‌وار را در واکنش به فعل و انفعالات تحولات اقتصادی می‌توان دید. چنین رفتاری را می‌توان از سوی مردم در واکنش به وقایع جنایی نیز مشاهده نمود (قره‌گوزلو، ۱۳۹۸، ۲۳۵). این که چرا مردم و حتی برخی خواص و افراد مشهور جامعه در واکنش به یک رویداد جنایی، خواهان عدم تسامح و شدیدترین برخوردها از سوی دستگاه عدالت جنایی می‌شوند، می‌توان گفت که به میزان آگاهی، تعقل مردم و جامع‌الاطراف بودن مردم آن جامعه معطوف می‌شود.

#### ۴. عوامل پیدایش عوام‌گرایی کیفی

##### ۴-۱ سزاگرایی عمومی

سزاگرایی عمومی، اندیشه‌ای تأثیر گذار، در سیاست کیفی کشورهای مختلف، که بوسیله آن می‌توان توجه افکار عمومیرا به خود جلب نمود. گرایش عموم در توسل به کیفر برای کنترل جرم، مسیری را برای سیاست‌گذاران هموار می‌سازد تا نگرانی عموم برای دستیابی به اهداف سیاسی خود بهره‌برداری نمایند.

در فلسفه غرب، ردپاهای اندیشه سزادهی یا مکافات‌گرایی را می‌توان در عقاید کانت و هگل یافت. این دیدگاه با تأکید بر مفاهیم استحقاق و سزادهی، بر این باور است که بزهدکار باید تنها

به این دلیل که مستحق آن است مجازات شود. در این دیدگاه، رنج حاصل از کیفر مطلوب است. به بیان ساده، سزاگرایی یک «دیدگاه گذشته‌نگر»<sup>۱</sup> است (ظفری، ۱۳۷۶، ۱۵۶) که مطابق با آن جرائم همان خطاهای اخلاقی هستند، از این‌رو سزاگرایی با اخلاق‌گرایی حقوقی قرابت نزدیک دارد

واقعیت آن است که، بیشتر سامانه‌های حقوقی مدرن، سزادهی را هنوز هدف غالب کیفر می‌انگارند و سه هدف دیگر (بازدارندگی، بازپروری و ناتوان‌سازی) را به عنوان اهداف تکمیلی در نظر می‌گیرند. در کشورهایی که سیاست‌های عمومی و اجتماعی و به طور خاص، سیاست‌های کیفری به اعتبار مبنای دموکراتیک دولت هایشان تحت تاثیر افکار عمومی قرار دارد همواره کوشش می‌شود که سیاست‌های مورد نظر در موافقت با افکار عمومی و یا برای شکل دهی به آن شکل بگیرند. لذا توجه روز افزون به دیدگاه‌های عمومی، عنصری به نام عوام‌گرایی کیفری را انعکاس می‌دهد. (قره‌گوزلو، ۱۳۹۸، ۲۳۵).

در این مسیر، یک پیش فرض اثبات نشده وجود دارد مبنی بر اینکه، عموم مردم تمسک به پاسخ‌های سرکوب‌گرایانه را به مثابه اراده نهایی و تغییر ناپذیر خود مطالبه می‌کنند و حکومت‌ها چاره‌ای جز تبعیت از آن مطالبه مفروض ندارند. هر چند در اندیشه سزادهی، پیشرفت و تکامل در قیاس با گرایش‌های سزاگرایانه به وضوح قابل درک است. زیرا در این شیوه، بزهکار نابود نمی‌شود و تنها به اندازه بدی که انجام داده است متحمل کیفر خواهد شد و این یادآور نظریه عدالت کانت است.

#### ۴-۲ احساس ترس

دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است که جرم یک پدیده دارای سودآور است. بدین معنی که، وجود جرم برای جامعه مفید است. به عقیده دورکیم، جامعه یک شخص یا رفتاری خاص را بدین سبب مجرم یا مجرمانه می‌خواند که درصدد است دربارهٔ جامعه خویش، اطمینان خاطر یابد. یعنی، جامعه خود را بر اساس آنچه نیست، تعریف می‌کند و آنچه را که نیست، جرم محسوب می‌کند. به عقیده او، جرم با اینکه نقض اخلاق جامعه است، اما نباید در میان نمودهای مرضی طبقه بندی شود. هیچ جامعه شناخته شده‌ای وجود ندارد که کم و بیش توسعه پیدا نکرده باشد و هیچ ملتی نیز وجود ندارد که به طور روزمره به اخلاقیاتش هتک حرمت نشود. بنابراین،

<sup>۱</sup> Backward-Looking or Retrospective approach.

وجود جرم حتمی و طبیعی است. (جاویدی، ۱۳۹۶، ۱۲۶). از این دیدگاه، جرم امری طبیعی است و وجود نظام عدالت کیفی برای جلوگیری از ترس از جرم اجتناب‌ناپذیر است. می‌توان گفت ترس از جرم نیز اگر در حد منطقی وجود داشته باشد، موجب ترس فرد به راهکارهای مقابله با جرم و پیشگیری از آن است و فقدان آن، انسان را در برابر خطر آسیب‌پذیر و ناایمن می‌سازد. برای مثال چنان به ترس از جرم در سطح بسیار پایین باشد یا اساساً وجود نداشته باشد، در این شرایط از به کارگیری وسایل و یا اقدامات احتیاطی یا محافظتی خودداری خواهیم کرد، شب هنگام در مناطق پر خطر قدم می‌زنیم، سوار خودروهای مشکوک خواهیم شد، زیور آلات را بدون توجه به محیط پر خطری که در آن هستیم، نمی‌پوشانیم. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴، ۲۸۲۱) بدین ترتیب، ترس زمانی جنبه آسیب‌شناسی پیدا می‌کند که به شکل افراطی و غیر منطقی وجود داشته باشد و موجب از بین رفتن اعتماد به نفس، درماندگی انسان و منفعل شدن وی و یا در مقابل موجب شکل‌گیری واکنش‌های کنترل‌نشده و هیجانی شود. در چنین شرایطی همه چیز در سایه خطرپذیری مفهوم و معنا می‌یابد، یک چنین جامعه‌ای را جامعه ریسک‌مدار می‌نامند. بنابراین، احساس ترس و ناامنی می‌تواند یکی از مولفه‌های بروز رویکرد عوام‌گرایانه باشد.

#### ۴-۳. افکار عمومی

یکی از عوامل شکل‌گیری سیاست کیفی عوام‌گرا افکار عمومی است. احساسات افکار عمومی و ارزیابی آنها از سطح امنیت جامعه، در خصوص جرایم خاص و همچنین انتظار عموم از عملکرد نظام عدالت کیفی، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های مبارزه با جرم در نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی دارند. زیرا یک نظام مردم‌سالار ایجاب می‌کند که رهبران سیاسی احساسات و خواسته‌های مردم را در تنظیم و جهت‌گیری سیاست‌هایشان مورد توجه قرار دهند (یوسفی، ۱۳۹۶، ۴۶).

به همین دلیل اتخاذ رویکرد مقامات سیاسی در کشورهای مردم‌سالار، بیشتر تحت تأثیر افکار عمومی است تا نظر کارشناسان (فرهمند، ۱۳۷۸: ۴۰). اما پرسش این است که چگونه افکار عمومی بدست می‌آیند؟ مطالعه علمی شکل‌گیری افکار عمومی به آغاز سده بیستم باز می‌گردد. بطور معمول افکار عمومی از طریق نظرسنجی‌ها به دست می‌آید. نکته مهم این است که حقوق کیفی در نگاه عوام‌گرایان تثبیت‌کننده ارزش‌های مورد احترام افکار عمومی است. صرف اعلام یک عمل به عنوان جرم به خودی خود می‌تواند با تأثیرگذاری بر افکار عمومی اثر نمادین داشته باشد (کلارکسون، ۱۳۹۱، ۱۳۵).

در اینجا لازم است به وجود و توضیح تناقضی در خصوص شکل گیری عوام گرایی کیفری در لوای حمایت از افکار عمومی پردازیم. عوام گرایی کیفری درست در زمانی شروع به رشد کرد که میزان جرایم در حال کاهش بود (اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰). در همین راستا، جان پرات استدلال می‌کند که فرصت‌ها برای عوام گرایی کیفری از گذر تغییرات اجتماعی مهم در جوامع مدرن از دهه ۱۹۷۰ ایجاد شدند. کاهش تفاوت‌ها و بی‌اعتمادی به سیاستمداران و نظام حاکم، مردم را برای حضور بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها تشویق می‌کرد. او ادعا می‌کند که عوام‌گرایی به جای آن که پاسخی باشد برای مشکلات جرم، مولود دل‌نگرانی‌های مربوط به احیا دوباره انسجام اخلاقی و اجتماعی است که با تغییرات اجتماعی جامعه مدرن در حال فروپاشی بود. البته پرات خاطر نشان می‌کند که این ادعا به معنای این نیست که هیچ ارتباطی بین عوام‌گرایی کیفری و میزان جرایم وجود ندارد. در تأیید این قسمت، دست کم می‌توان این ادعا را کرد که این افزایش جرایم بود که در اوایل دهه ۱۹۶۰ جرقه سیاسی شدن جرم و رشد دیدگاه‌های عوام‌گرا در باب جرم را زد. کاهش قدرت دستگاه عدالت کیفری یکی از نتایج این تغییرات اجتماعی است، که خود دلایل گوناگونی دارد. یکی از مهمترین دلایل آن در آمریکا به اعلام شکست ایده اصلاح و درمان برمی‌گردد. (مارتی، ۱۳۸۱: ۵۶). این ناکامی به معنای شکست سیاست‌های موجود کنترل جرم و شکست نهادهای عدالت کیفری از جمله پلیس، دادگاه‌ها و زندان‌ها بود.

عواملی چون جهانی شدن به شکل‌گیری این باور، یعنی بی‌اعتمادی مردم به دستگاه حاکم، سرعت بخشید. ایجاد قدرت‌های بزرگ دیگر در کنار دولت‌ها و وقوع بحران‌هایی مانند بحران‌های اقتصادی، نشان دهنده آسیب‌پذیری دولت‌ها و شکل‌گیری نظم اقتصادی جدیدی در کنار آن‌ها بود. هم‌چنین تغییر در سبک زندگی افراد، افزایش تحصیلات، افزایش آمار طلاق، تضعیف باورهای مذهبی و... که از خصوصیات جامعه مدرن است، همه در تضعیف قدرت دولت در افکار عمومی مؤثر بودند. این تصور به همراه خود احساس ناامنی و ترس از جرم را می‌آورد. بسیاری از این عوامل که وجود آن‌ها برای متعهد نگه داشتن افراد به جامعه لازم است، از بین رفتند یا دست کم تضعیف شدند. البته افزایش جرایم نیز در شکل‌گیری این باور دخیل بود. ساولزبرگ نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نسبت باور آمریکائی‌ها به این که دادگاه‌ها به اندازه کافی با مجرمان سخت‌گیر نیستند از ۴۸٪ در ۱۹۶۵ به ۶۶٪ در ۱۹۷۳ و تا ۸۵٪ در ۱۹۷۸ رسیده است و از آن زمان به بعد برای ۲۰ سال در همین سطح مانده است. لافری این گونه توضیح می‌دهد که وقتی آمار حکایت از افزایش جرایم دارند، به خصوص جرایم خشونت‌آمیز و

این طور به نظر می‌رسد که دولت‌ها و دستگاه عدالت کیفری آن چنان که شایسته است عمل نمی‌کنند، شکاف بزرگی بین نیروهای نظام حاکم و عموم مردم که احساس نگرانی و ناامنی زیادی دارند ایجاد می‌شود و این شکاف از یک سو، به احساس یأس و ناامیدی نسبت به دولت و مقامات در حل معضل بزهکاری و از سوی دیگر، به حمایتی عمومی از نهادها و سیاستمداران عوام‌گرا (عوام‌فریب) که در این تقسیم‌بندی در کنار مردم قرار گرفته‌اند، منجر می‌شود. (رایت ۱۳۸۴: ۶۳). این نکته سبب شد تا رویکرد سزا‌گرایی دوباره رشد نماید.

تفاوت سخت‌گیری کیفری علمی یا سزادهی با سخت‌گیری کیفری غیرعلمی یا سزاگرایی در همین نکته باشد که اولی در راستای راهبردهای انطباقی شکل گرفته است و دومی در راستای راهبردهای حقوق کیفری سیاست زده. به هر حال ویژگی شاخص سیاست کیفری اخیر همین تمایز بین مجازات و کنترل جرم است. درست است که دولت قدرت اعمال مجازات را دارد، اما کنترل جرم خارج از توانش است. تجلی این دوگانگی سیاست کیفری را در کشور ما، به راحتی در اظهارنظرهای مسئولان عدالت کیفری می‌توان دریافت. به عنوان مثال پس از انتشار گسترده اخبار مربوط به تجاوزهای گروهی خمینی شهر اصفهان، کاشمر و گلستان در رسانه‌ها که منجر به ایجاد فضای ترس و وحشت و گسترش احساس ناامنی در جامعه شد، مسئولان که خود نیز در ابتدای امر به این موضوع تأکید بسیار می‌کردند، پس از مدتی برای اعاده حیثیت خود و تأکید بر اقتدار دولت در کنترل جرم راهبردهایی مشابه انکار واقعیت موجود و اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه را به کار گرفتند. (معمد نژاد: ۱۳۷۱: ۴۶)

در واقع، رسانه‌ها با هدف جذب مخاطب و با توصیف وقایع مجرمانه از یک سو، جرایم به ویژه جرایم خشونت‌آمیز را در حال افزایش روزافزون نشان می‌دهند. از سوی دیگر این باور را میان مردم ایجاد می‌کنند که دستگاه عدالت کیفری به میزان لازم بر مجرمان سخت نمی‌گیرد و علت اصلی افزایش جرایم، مدارای بیش از حد دادگاه‌ها، پلیس و سایر نهادهای عدالت کیفری با ناقضان قانون است. این رسانه‌ها با ارائه توصیف‌هایی جذاب و البته نگران‌کننده از جرایم خشونت‌آمیز بدون اینکه تحلیل کارشناسانه‌ای از آن ارائه دهند، عامه مردم را به اجماع بر سر راه حل‌های سطحی و سخت‌گیرانه نزدیک می‌کند. گسترش فناوری اطلاعات و ایجاد محیط‌ها و فضاهای مجازی به این کار سرعت می‌بخشد. محیط‌هایی چون وبلاگ‌های شخصی و فیسبوک امکان به اشتراک گذاشتن تجربه‌های شخصی بزه‌دیدگی را فراهم می‌آورند. به نحوی که با دسترسی عموم مردم به این تجربیات، آن‌ها از حالت شخصی خارج شده و شکل جمعی به خود می‌گیرند. همه این‌ها به ایجاد فاصله و شکافی بین عموم مردم و مجرمان کمک می‌کند و امکان

ترحم نسبت به مجرم را از بین برده و همدردی با بزه دیدگان را یک حس جمعی می‌کند. البته برخی تحقیقات عواملی چون باورهای مذهبی، نژادی و حتی میزان هم ذات‌پنداری با مجرمان را در میزان گرایش‌های سخت‌گیرانه و یا به عبارتی کیفر‌گرایی در میان مردم مؤثر می‌دانند. به عنوان نمونه در جامعه آمریکا برخی باورهای متعصبانه مذهبی و همین‌طور تعصبات نژادی که جزئی از فرهنگ مردم است از عوامل مؤثر در تشدید کیفر‌گرایی به ویژه نسبت به اقلیت نژادی است. همین عوامل موجب می‌شود که میزان همدلی و یا هم ذات‌پنداری مردم با این افراد کمتر دیده شده و به کیفر‌گرایی و گرایش‌های سخت‌گیرانه مردم جامعه، ویژگی نژاد پرستانه بدهد. گرایش‌های سخت‌گیرانه کیفری افکار عمومی، را نتایج نظر سنجی‌های صورت گرفته مشخص می‌کنند. اما نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که نتایج این نظرسنجی همواره بیان‌گر احساس واقعی فرد پاسخ‌دهنده نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که طرح این سؤالات القا کننده در اکثر نظر سنجی‌ها بر نتیجه حاصله تأثیر گذاشته و موجب می‌شود که افراد مورد سوال قرار گرفته، در نهایت مجازات‌های شدیدتری را به عنوان بهترین پاسخ انتخاب کنند.

### نتیجه‌گیری

شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران موجب شده تا نفوذ اندیشه عوام‌گرایانه قوت بگیرد. اندیشه عوام‌گرایی کیفری، تأکید خود را بر راه‌حل‌های آبی قرار می‌دهد تا از این نقطه نظر بتواند منافع جناحی را تأمین نماید. علاوه بر این، در جوامعی که به حقوق و آزادی‌های فردی اهمیت داده می‌شود، حق بر متفاوت بودن شهروندان به رسمیت شناخته می‌شود. به همین دلیل دولت مردان، الگوهای کنترل اجتماعی متفاوتی را در جهت مبارزه با بزه انتخاب می‌کنند. حقوق کیفری نوعی از اعمال قدرت محسوب می‌شود. به همین دلیل، سیاست‌گذاری کیفری، یک امر متأثر از سیاست است. در این طریق، سیاستمداران، به ویژه حوزه حقوق کیفری، مترصد آن هستند تا بتوانند با جلب عقاید عموم جامعه بیشترین امتیاز را کسب نمایند. بدین ترتیب، بحث عوام‌گرایی در حوزه سیاست جنایی مطرح می‌شود.

سیاست‌های کیفری مبتنی بر عوام‌گرایی یا توده‌گرایی، با ابتناء بر خواسته عمومی، شکل می‌گیرد و ماهیتی غیرعلمی دارد. به همین دلیل نیز این نوع سیاست، همواره برای جهت‌دهی افکار مردم به سوی خواسته‌های خویش تلاش می‌کند، تا علاوه بر کسب مقبولیت و محبوبیت عمومی، سیاست‌های خاص خود را به تابعین حقوق کیفری تحمیل نماید.

اندیشه عوام‌گرایی کیفری در بردارنده رویکرد حداکثری و به نوعی تسامح صفر نسبت به

بزهکاران است. به همین علت، بزهکاران در این ارویکرد فکری «ناخودی» و به نوعی دشمن تلقی می‌شوند. این تفکر همواره متأثر از تحولات سیاسی درون یک جامعه است. نظریه پردازان عوام‌گرا، معمولاً به دنبال حل مسائل مربوط به پدیده مجرمانه به وسیله برنامه‌های معقول نیستند. این نحله فکری، خواهان سیاست‌های کوتاه مدت هستند تا بتوانند به وسیله آن پیروز انتخابات سیاسی شوند. البته، باید توجه نمود که اهمیت به خواست مردم در قانونگذاری یک چیز است و ارائه برنامه‌های غیرعلمی کیفری و توده‌گرا چیز دیگر. به سخن دیگر، یکی از شرایط اعتبار قانون در نظر گرفتن منافع اقلیت و اکثریت تابعین حقوق کیفری است. اما این مهم نباید موجب سوء استفاد سیاستمداران در در جهت جذائیت منافع جناحی شود. خواست مردم و مقبولیت عمومی در حوزه-سیاستمداری از نشانه‌های یک دولت مردم سالار است و پشت کردن به اراده مردم یکی از مولفه‌های بی‌اعتباری گزاره‌های قانونی است. به همین دلیل توجه به اراده مردم در قانونگذاری را نباید با مسئله عوام‌گرایی کیفری به معنایی که توضیح داده شد، اشتباه نمود.

به هرروی، نتایج رویکرد عوام‌گرایی کیفری، آسیب رسانی به استلزامات اصول بنیادین حق‌های اخلاقی در مرحله پیش‌دادرسی از - یک سو، و نقض موازین منصفانه در مراحل محاکمه و اجرا از سوی دیگر، خواهد بود.

### پیشنهاد

اصل حاکمیت قانون یکی از اصول مهم و حاکم بر حقوق کیفری است. براساس این اصل، جرم‌انگاری در حوزه اختیارات قوه مقننه است. این نهاد، فرایند جرم‌انگاری و تعیین کیفر را بوسیله کمیسیون‌های تخصصی پایش می‌کند تا مبدا حقوق و آزادی‌های فردی نقض شوند. اما، در ایجاد شرایط احساسی در مورد پدیده جنایی، به سهولت مسیر برای تحمیل خواسته‌های عامه پسند فراهم می‌شود. در کشور ما، به آن علت که مرجع قانونگذاری واحد نیست، و حتی آئین‌نامه‌گرایی نیز در سیاست جنایی تقنینی باب شده است، شیوع سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در نظام عدالت کیفری به مراتب بیشتر دیده می‌شود. در نتیجه وجود مرجع قانونگذاری واحد و حفظ حاکمیت قانون ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

### فهرست منابع

۱. استالانز، جولیان، هاف مایک، نجفی ابرند آبادی، علی‌حسین، رابترز ج و، ایندرما، د. ۱۳۹۲. عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور. مترجمان م کاظمی جویباری، هانیه هژبر الساداتی، زینب باقری‌نژاد، سودابه رضوانی، چاپ اول، تهران: نشر میزان



۲. ظفری، محمدرضا، ۱۳۷۶، مبانی عدالت جزایی، در مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره دوم.
۳. جاویدی، مجتبی، ۱۳۹۶، ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم، با رویکردی روش شناسانه، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۲۹، زمستان.
۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، تقریرات علوم جنایی، دانشگاه شهید بهشتی، جزوه درسی.
۵. اسمعیل زاده، لیدا. ۱۳۹۲، جلوه‌های سیاست کیفری عملگرا در جرائم اقتصادی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی. دانشکده علوم اداری و اقتصاد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. باوی، علیرضا، گلدوست جویباری، رجب، غلامی، حسین. ۱۳۹۹. آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرائم اقتصادی. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری. دوره ۱۶. شماره ۱ (پیاپی ۴۳).
۷. بی‌دردی، شهرام، ۱۳۹۵. حق بر مجازات نشدن از دیدگاه کیفرشناختی با تأملی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. نشریه علمی، خبری و تحلیلی کانون وکلای دادگستری اردبیل، سال دوم، شماره دو.
۸. جعفری، علیرضا، ۱۳۹۶. تعیین نیروهای امنیتی به عنوان ضابط دادگستری. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه شیراز.
۹. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، ساداتی، محمد جواد. ۱۳۹۴. مفهوم قدرت در جامعه‌شناسی کیفری. پژوهش کیفری، سال سوم، شماره یازده.
۱۰. حسینی، سید حسین، اسمعیل زاده، لیدا. ۱۳۹۴. جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال ۱۴. شماره ۵۴.
۱۱. رضوانی، سودابه. ۱۳۹۶. مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
۱۲. سلحشور، افشین، ۱۳۹۴. مبانی و مصادیق عوام‌گرایی در قوانین کیفری. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه کردستان.
۱۳. ساداتی، محمد جواد، ۱۴۰۰، مجازات و کنترل اجتماعی: تبارشناسی پیوند قدرت و واکنش‌های کیفری، تهران: میزان.
۱۴. شیدائیان، مهدی، رجبی سلمان، جواد، ۱۳۹۵، بزه دیده و عوام‌گرا شدن سیاست کیفری. فصلنامه حقوق جزا و سیاست جنایی. دوره ۱. شماره ۲.
۱۵. طاهری، سمانه، ۱۳۹۲. سیاست کیفری سختگیرانه. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.

۱۶. قره‌گوزلو، سهراب، ۱۳۹۸، عوام‌گرایی کیفری و آثار آن بر پاسخ به جرایم علیه اشخاص در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۷. کاشفی اسماعیل زاده، حسن، ۱۳۸۴. جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی، علل و جلوه‌ها. مجله تخصصی الهیات و حقوق. سال ۵. شماره ۱۵ و ۱۶.
۱۸. مقدسی، محمد باقر. ۱۳۹۰. عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. مقدسی، محمد باقر، فرجی‌ها م. ۱۳۹۲. ویژگی‌های سیاست کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی. فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی. دوره ۴. شماره ۲.
۲۰. مهدوی پور، اعظم، شهرانی کرانی، نجمه، ۱۳۹۳. امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری. دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان. سال ۵. شماره ۱.
۲۱. نوبهار، رحیم، عرفانی‌فر، امیر، ۱۳۹۶. واکاوی تحلیلی انتقادی تفاوت‌های میان حدّ و تعزیر. فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وششم، شماره هشتاد و دو.
۲۲. هژبرالساداتی، هانیه. ۱۳۸۹. عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری تطبیقی و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق علوم سیاسی و زبان‌های خارجه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
۲۳. الهی منش، محمد رضا، تقی زاده، محرم، ۱۳۹۷. سیاست عوام‌گرایانه در مبارزه با جرائم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس. فصلنامه کارآگاه. سال ۱۱. شماره ۴۳.
۲۴. فرهمند، جعفر، جایگاه رسانه‌های گروهی در سیاست جنائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۲۵. یوسفی، شهرزاد، ۱۳۹۶، مطالعه عوام‌گرایی کیفری در ظهور پدیده مجرمانه در نظام عدالت کیفری ایران، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۲۶. دلماس مارتی، میری، ۱۳۸۱، نظام‌های بزرگ سیاست جنائی، جلد دو، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
۲۷. کلارکسون، کریستوفر ۱۳۹۱، *حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه*، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران: جنگل.
۲۸. وایت، راب، هینس، فیونا ۱۳۸۲، *درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه میرروح‌الله صدیق، انتشارات دادگستر، چاپ اول، بهار.



## *Acceptance of punishment in the criminal justice system*

*Hamid Ghorbanpour*<sup>\*</sup>  
*Seyed Mohammad Mehdi Sadati*<sup>\*\*</sup>  
*Ali Jamadi*<sup>\*\*\*</sup>

### **Abstract**

Punishments are constantly changing due to their variable nature. The emergence of new punishments under the title of alternative punishments to imprisonment, as well as the provision of penal institutions in the legal systems of various countries, including Iran, confirms the change and expansion of new examples of criminal responses to crime. Among these, the acceptance of new criminal responses among judicial actors is of great importance; So that in case of non-acceptance of new punishments, the implementation of new approaches to punishment in law will be ineffective. Therefore, the acceptance of punishment and its acceptance among judicial actors effective in issuing and enforcing it is becoming increasingly important; Because in different stages from the determination to the execution of punishments, different actors play a role and the attitude of each of them can affect the punishment, the type or even the principle of its execution. For this reason, it is necessary to first carefully study the concept of "acceptability of punishment" and then to address the question of what are the components of punishment and recourse or non-recourse to the various stages of the trial, from the prosecution stage to the execution stage and execution of punishments? Correctional and compassionate punishments affect. Explaining these two issues can not only be useful in identifying the challenges ahead, but also can prevent the taste of judicial actors in sentencing by unifying the attitude based on the acceptability of punishment. The finding of this study is that the judicial and executive criminal policy in the field of new punishments is not associated with legislative criminal policy and several reasons, including the lack of executive mechanisms in the implementation of some punishments, society culture and requirements governing the thinking of judicial actors in this regard.

### **Keywords**

*acceptability of punishment, practical justification of punishment, acceptance of punishment, judicial punishment, sociology of punishment*

<sup>\*</sup> PhD Student in Criminal Law and Criminology, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran. hamidlaw1@yahoo.com

<sup>\*\*</sup> Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author) mahdi.sadati@shirazu.ac.i

<sup>\*\*\*</sup> Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran. jamadiali@gmail.com